

## ماجرای وحشی گری های دولت پیرو دین اسلام

رضا نوجوان ۱۵ ساله ای است که در مرکز ایران، تهران، در یک خانه امن پناه گرفته است، اما به تائید پزشک معالجش که برای امنیت خود نام خود را پنهان کرده است، رضا به دلیل تألمات شدید روحی و روانی قصد خودکشی دارد. وی به همراه عده ای نوجوان هم سن و سال خود که حتی هنوز به سن رای دادن هم نرسیده اند و صرفاً به دلیل در دست داشتن مجبدهای سبز در تجمعی دستگیر شده و در بدترین شرایط به مدت بیست شبانه روز مورد بدترین شکنجه ها و تجاوزات قرار گرفته است.



او در زندان بارها مورد تجاوز وحشیانه و تحقیر جنسی قرار گرفته اند. مجله تایمز تحقیرهای جنسی علیه این زندانیان را معادل و یا بدتر از آنچه می داند که جمهوری اسلامی ایران ایالات متحده را برای ارتکاب آن در زندان ابوغریب ملامت نموده است. این نوجوان که نام وی، محل اقامت و نام پزشک معالج و ی نزدیک تایمز محفوظ است می گوید در روز اول در بازداشتگاه نامعلومی که ظاهراً وابسته و تحت مدیریت سپاه یا بسیج بوده است، سه نفر لباس شخصی از نیروهای امنیتی سپاه و بسیج به وی حمله کرده اند و یکی او را به زور نگه داشته، یکی رویش نشسته و دیگری روی وی ادرار کرده است. سپس به طرز وحشیانه ای به وی تجاوز کرده اند. وی در طول مدت زندان (حدود ۲۰ روز) بارها مورد تجاوز قرار گرفته است، حتی پس از انتقال به بازداشتگاه رسمی نیروی انتظامی. رضا برای خودکشی در زندان سر به زمین کوبیده است. او شاهد تجاوز به چندین نفر دیگر نیز بوده و به شهادت پزشک معالج و تائید نماینده عفو بین الملل در ایران، ادعاهای رضا مبنی بر تجاوز، جراحات جسمی، آسیبهای روحی و تحقیرهای جنسی با واقعیات منطبق است. رضا شاهد زنده ی مهدی کروبی، افشاگر تجاوز به زندانیان دربند می باشد. تجاوز کنندگان به رضا مرتباً می گفته اند این کارها را در راه خدا انجام می دهیم و سزای معترضین به نظام اسلامی همین است.

رضا میگوید: او را به داریستی بسته اند و به آزار جنسی او پرداخته اند و در پاسخ به اعتراضش بعد از بیست دقیقه با ظرفی پر از مدفوع بلوگشته و آن را به صورت او مالیده اند، گویا صورت وی را در مدفوع فرو کرده اند و در اعتراض به تجاوز، بازجوی وی دوباره به او تجاوز نموده است، او تاکید میکند که بعد از آن این بازجویش بوده که مدام و با چشم بسته بارها به او تجاوز کرده است.

رضا گفته است بعد از سه روز که در سلول انفرادی به سر برده، او را با چشمان بسته نزد همان بازجو میبرند و او برگه اعترافاتی را در مقابلش قرار میدهد، اعترافات مبنی بر شرکت کردن رضا به عنوان سردسته گروهی که از طرف نیروهای خارجی مامور آتش زدن بانک ها و ساختمانهای دولتی، بوده است، این اعترافات آنقدر برای او تکاندهنده بوده است که لحظاتی از این کار خودداری میکند ولی با آدوری تجاوزات وحشیانه و تکرار آنها، این نامه اعترافات را امضاء میکند.

رضا می گوید زندانیان نوجوان را بارها مجبور به "عمل جنسی با یکدیگر" نیز کرده و گفته اند با این عمل "پاک می شوید". در نهایت رضا با وثیقه ای در حدود ۷۰ میلیون تومان در دادگاه انقلاب و با سپردن تعهد مبنی بر عدم افشاکگری در مورد این رفتارها وحشیانه آزاد شده است. در بیمارستان، نوجوان شانزده ساله دیگری که از وی به عنوان سردسته نام برده شده در اثر شدت جراحات به شهادت رسید. شخصیتهای این گزارش با بیان این واقعیات جان خود را به خطر انداخته و خانواده رضا قصد خروج از کشور دارند